می‌گرفت. نطفه بسیاری از گرایش‌های ادبی متفاوت نیز در همین دوران بسته شد و حاصل این همه شد نسلی آرمان‌خواه که یا خود را در صف مقدم مقابله با استعمار جهانی می‌پنداشت و در ترکیبی رویایی از ادبیات و سیاست، عدالت و آزادی را در میانه میدان متن‌هایش به رقص درمی‌آورد یا لااقل در این کمتر تردید می‌کرد که اگرچه صعب و سخت است، اما جهانی نو پیش روی ایران قرار گفته که دمی در آن نفس کشیدن می‌ارزد به تمامی خونی که بر جگر جماعت روشنفکر و مبارز می‌رود.

کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، کابوس تمام‌عیاری بود که خوابِ خوش این نسل را برآشفت. عطش کشنده‌ای بود در بیابانی که ناگهان از پس دره‌های سبز و خرم رخ نمی‌نمود و قدم‌ها را سست می‌کرد. همان «زمستان» و زمهریر هراسناکی بود که مهدی اخوان‌ثالث آن را چنین توصیف می‌کرد: «نگه جز پیش پا را دید، نتواند/ که ره تاریک و لغزان است/ و گر دست محبت سوی کس یازی/ به اکراه آورد دست از بغل بیرون/ که سرما سخت سوزان است.» چنین واکنشی البته یکی از کم‌خطرترین پاسخ‌ها بود. بعدتر نصرت رحمانی در «مردی که در غبار گم شد» (۱۳۳۶)، شرحی جانگداز از این مصیبت و اضمحلال نگاشت و دو دهه بعد در مقدمه جدیدش بر این اثر، آن روزگاران را چنین به خاطر آورد: «روزی به خود آمدم که تا گلوگاه در لجن غرق شده بودم، نه‌تنها من که یک نسل، نسلی که چشم و چراغ ملتی، دنباله و میراث‌خوار مشروطیت بود. از این نسل انبوه لااقل هزار نفر به سوی نوشتن و خود را خالی کردن می‌رفتند اما متأسفانه از این هزار نفر هنگامی که به عقب برمی‌گردم، می‌بینم تنها به اندازه انگشتان یک‌دست نویسنده یا شاعر شدند، مابقی در لجنزار ادا و اطوارهایی که آن هم جزء میراث بود و بالاتر از این‌ها گم‌شدن در انبوه دود سیاه موادمخدر، نابود شدند.»

گاهی انسان یخ می‌کند

مدرسی نیز از سوز این سرما بی‌نصیب نماند اما پاسخی که بدین بحران داد، شد «یکلیا و تنهایی او»؛ داستانی بلند که طرح‌اش بعد از کودتا به ذهن مدرسی رسید و نوشتن‌اش سه‌ماه زمان برد. جز سرخوردگی‌های منبعث از کودتا، دسترسی مدرسی به کتاب مقدس به‌ویژه عهد عتیق در کتابخانه پدربزرگش نیز در این میان بی‌اثر نبود. کتاب که به سیاوش کسرایی تقدیم شده بود، در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسید. ابوالحسن نجفی؛ مترجم و زبان‌شناس شهیر که سختگیری و دقت‌نظرش در ویراستاری زبانزد بود، به انتشار آن کتاب در «انتشارات نیل» که خود به همراه عبدالحسین آل‌رسول بنیان نهاده بود، کمک کرد. جز این، او که تبحری خاص در شناخت سطوح کهن و امروزین زبان داشت، بخشی از تعابیر غیرکهن متن مدرسی را به تعابیر کهن بازگرداند و بدین‌ترتیب اثری زاده شد با نثری بسیار خاص و ساختاری خلاقانه که پیرنگ‌اش را از عهد عتیق می‌گرفت و داستان عاشقی یکلیا ـ دختر حاکم اورشلیم ـ بود به چوپانی آزاده.

نثر اثر، خواندن آن را دشوار می‌نمود اما بداعت آن حلاوتی اصیل داشت و تحسین منتقدانی چون احمد شاملو را نیز برانگیخت. در سال ۱۳۳۵ نیز «یکلیا و تنهایی او» از سوی مجله «سخن» به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد. در ظاهر، تبعید دختر پادشاه به‌جرم عشق و حاضرشدن شیطان در کنار رود ابانه نزد او در زمانه طرد از جانب پدر، داستانی قدیمی می‌نمود، اما بعدتر بسیاری از نکته‌سنجان، در استعانت مدرسی از اسطوره‌ها دستاویزی یافتند برای توصیف یخ‌بستگی و انزوایی که ایران را پس از کودتا دربرگرفته بود: «دوست من، اکنون اضطراب مانند سیلی روحم را فراگرفته. آیا تو تنهایی مرا حس نکرده‌ای؟ چه کسی می‌تواند ادعا کند که تنها نیست؟ اما بعضی اوقات تنهایی، سکوت را نیز همراه خود می‌آورد. انسان یخ می‌کند. من اکنون در آن حالتم.»

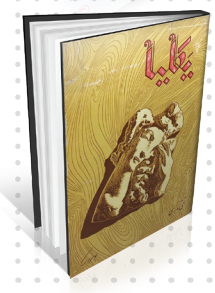

سفر به آمریکا، ازدواج با تایلر

مدرسی بعدتر سردبیر مجله «صدف» شد اما همانطور که خود نیز در مصاحبه با «کیهان فرهنگی» گفته، در آن دوران به‌دلیل «موقوف‌ماندن فعالیت‌های سیاسی» احساس سرخوردگی می‌کرده و دست‌اش زیاد به کار نمی‌رفته است. در چنین شرایطی است که فرصتی تحصیلی برای او در آمریکا ایجاد می‌شود. مدرسی به آمریکا مهاجرت می‌کند و در همان دوران با برخی اساتید ادبیات و نویسندگان جوان آمریکایی چون آن تایلر که آن زمان در کتابخانه دانشگاه دوک کار می‌کرد و ۱۰ سال هم از مدرسی کوچک‌تر بود، آشنایی به‌هم‌می‌زند. حاصل آشنایی با آن دو البته به ازدواجی دیرپا انجامید. تایلر سال بعد از ازدواج، نخستین رمانش را منتشر کرد و می‌دانیم که دوونیم دهه بعد برنده جایزه پولیتزر شد.

از شریفجان تا آداب زیارت

مدرسی با این ازدواج و نیز با اشتغال در دانشگاه در رشته روانکاوی کودکان، در آمریکا ماندگار شد. با این همه، از نوشتن به فارسی بازنماند و در سال ۱۳۴۴ کتابی دیگر از او به‌نام «شریفجان، شریفجان» منتشر شد. اینجا البته دیگر نشانی از آن نثر دشوار و فضای اسطوره‌ای یکلیا نیست. داستان مدرسی به روایت خاندانی اصیل اما در حال زوال به‌نام اصلانی می‌پردازد که در گذشته ارباب شریفجان بوده‌اند اما اینک نه‌فقط نشانی از آن اقتدار پیشین در میان نیست، بلکه حتی بازماندگان این خانواده بزرگ گرفتار مصائبی ریز و درشت و مزاحمانی بی‌ریشه شده‌اند.

بعد از «شریفجان، شریفجان» اما دیگر خبر چندانی از تقی مدرسی نیست. او دو دهه به سکوت می‌رود تا اینکه ناگهان در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، دو اثر از او در ایران منتشر می‌شود: «کتاب آدم‌های غایب» و «آداب زیارت». اولی باز به داستان خاندانی اشرافی مربوط می‌شود که بازماندگان آن دچار اختلاف نظرهایی جدی هستند و فضایی پوچ را به نمایش می‌گذارند. دومی اما کتابی است که داستانش در سال‌های نخست دهه ۱۳۶۰ می‌گذرد و روایتی است از استاد دانشگاهی که پیش از انقلاب حاضر نشده در آمریکا ماندگار شود، اما بعد از انقلاب از دانشگاه به اجبار بازنشسته شده و اینک با فرنگو زنش که وضعیت جدید اجازه بازی در تئاتر ندارد و خانه‌نشین شده است، زندگی می‌کند. در این میان شهادت دانشجوی خصوصی استاد که به‌سبب عشق‌اش به تاریخ و برای تماشای رودخانه فرات راهی جبهه شده است، استاد را بیشتر به کنج تنهایی می‌راند؛ انزوایی که با مرور خاطرات زندگی‌اش، از زادگاه روستایی‌اش تا تحصیل در آمریکا در رشته زبان‌های باستانی می‌گذرد؛ بدون آنکه به کشف و شناختی واقع منجر شود. به همین دلیل است که از نظر مدرسی باید «آداب زیارت» را دانست: «بشر فی‌الواقع زائری است؛ رهنوردی است که به‌دنبال سرنوشت می‌گردد و در این سفر دراز عمر می‌بایست با آداب زیارت آشنایی کاملی داشته باشد.» او البته به گمان خویش، خود آیین زیارت را می‌دانست و شاید به همین دلیل بود که در آخرین گفت‌وگوی عمرش گفت: «خیلی خشنودم. زندگی خوبی داشتم.»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی م‌الف: ۶۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۲۴۰۰۷۷۱۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود موسی الرضائی به شناسنامه شماره ۵ کد ملی ۱۷۰۹۵۸۵۹۲۷ صادره از اسکو فرزند صمد در ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به صورت کارگاه و انبار به مساحت ۲۶۹۲/۲۸ مترمربع پلاک شماره ۱۱۰۲ فرعی از ۱۲۰ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری بموجب (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۳۰

سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شناسه آگهی: ۱۹۱۶۶۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۴۸۹۱ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رضا بیات فرزند محرم بشماره شناسنامه ۱۸۱ صادره از کرج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۴/۲۵ متر مربع از پلاک ۳ - ۴ فرعی از ۸ اصلی واقع در کرج محمد شهر جعفرآباد خیابان الغدیر غدیر ۶ خریداری از مالک رسمی آقای / خانم محرم بیات محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

مهران رشیدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شناسه آگهی: ۱۹۱۶۶۱۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۴۸۹۵ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رضا بیات فرزند محرم بشماره شناسنامه ۱۸۱ صادره از کرج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۶/۹۰ متر مربع از پلاک ۳ - ۴ فرعی از ۸ اصلی واقع در کرج محمد شهر جعفرآباد خیابان الغدیر غدیر ۶ خریداری از مالک رسمی آقای / خانم محرم بیات محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

مهران رشیدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران- مناقصه بصورت فشرده عمومی
یک مرحله‌ای شماره ۱۴۰۳/۷۸۵م شماره فراخوان: ۲۰۰۳۰۹۳۵۶۷۰۰۰۱۴۲ نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

شرکت نفت و گاز اروندان (مناقصه گزار) در نظر دارد خدمات موضوع ذیل را از طریق شرکت‌های واجد صلاحیت داخلی (پیمانکار) تامین نماید. بدین وسیله از کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل می‌باشند دعوت می‌گردد اسناد و مدارک خود را بر اساس استعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت و همچنین پیشنهاد خود را به این امور ارسال نمایند:

الف- موضوع مناقصه عبارت است از: خدمات نگهداری فضای سبز

ب- برآورد مالی مناقصه: برآورد مالی مناقصه ۵۴۸٬۶۰۴٬۲۷۷٬۸۱۰ (هشتصد و ده میلیارد و ششصد و چهار میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و پانصد و چهل و هشت) ریال می‌باشد.

ج- نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه: از نوع سپرده (واریز وجه نقد) و یا ضمانت نامه بانکی معتبر به میزان ۲۸٬۸۱۲٬۰۸۵٬۵۵۱ (بیست و هشت میلیارد و هشتصد و دوازده میلیون و هشتاد و پنج هزار و پانصد و پنجاه و یک) ریال می‌باشد.

د- مدت اجرای قرارداد: ۲ سال

ر- شرایط الزامی برای ورود به مرحله ارزیابی کیفی (در صورت دارا نبودن و یا عدم ارائه، ارزیابی کیفی آن شرکت انجام نخواهد شد):
گواهینامه تعیین صلاحیت مرتبط با موضوع مناقصه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

ز- معیارهای ارزیابی کیفی:
۱- تجربه و دانش در زمینه مورد نظر ۲- حسن سابقه در کارهای قبلی ۳- توان مالی ۴- توان تجهیزاتی ۵- توان فنی و برنامه ریزی

کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی و دریافت اسناد مناقصه و بارگذاری پیشنهاد از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ می‌باشد. متقاضیان می‌توانند از تاریخ مذکور و حداکثر تا مدت ۵ روز از تاریخ درج آگهی نوبت دوم، برای دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به سامانه ستاد به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تذکر ۱: کلیه ضمانت نامه‌های صادره از صندوق پژوهش و فناوری صنعت نفت قابل پذیرش و کلیه ضمانت نامه‌های صادره از بانک پاسارگاد غیرقابل پذیرش می‌باشند.

تذکر ۲: در کلیه مراحل برگزاری مناقصه، اسناد و مدارک بارگذاری شده بر روی سامانه ستاد از طرف متقاضیان / مناقصه گران شرکت کننده در مناقصه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بررسی و ارزیابی هرگونه نامه و مستندی خارج از چارچوب سامانه ستاد انجام نخواهد گرفت و هیچ گونه اعتراضی از این بابت مسموع نیست.

تذکر ۳: در این مناقصه پذیرش گروه مشارکت (کنسرسیوم) مد نظر نیست، بنابراین متقاضیان با لحاظ شرایط مندرج در آگهی و اسناد ارزیابی کیفی و بصورت انفرادی مجاز به شرکت در مناقصه می‌باشند.

تذکر ۴: متقاضیان شرکت کننده در مناقصه علاوه بر بارگذاری پیشنهاد خود در سامانه ستاد می بایست اصل پاکت الف حاوی تضمین شرکت در مناقصه را بصورت فیزیکی نیز ارائه نمایند.

بدیهی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی‌کند. ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوالی می‌توانند با شماره تلفن‌های ۳۲۱۲۱۶۰۳-۰۶۱ و ۳۲۱۲۱۶۱۱-۰۶۱ تماس حاصل فرمایند.

شناسه آگهی: ۱۹۰۹۹۲۰ آدرس وب سایت: AOGC.IR

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

مدنوستالژی

محسن سلیمانی‌فاخر
منتقد

در روزگاری که سرعت تکنولوژی، مصرف‌گرایی و بی‌ثباتی اجتماعی، تصویر آینده را مبهم و نگران‌کننده کرده، انسانِ معاصر بیش از هر زمان دیگری به گذشته پناه می‌برد. این بازگشت به گذشته صرفاً از سر دلتنگی یا حسرت نیست، بلکه به‌نوعی تبدیل به سلیقه و سبک زندگی شده است. آنچه امروزه با عنوان مد نوستالژیک می‌شناسیم، تنها یک رویکرد احساسی نیست، بلکه بازتابی از نگرانی‌ها، آرزوها و خستگی‌های عصر مدرن است.

مد نوستالژیک را باید فراتر از بازگشت به لباس‌های دهه ۶۰ یا پخش دوباره موسیقی‌های قدیمی دید. این پدیده شکلی از میل فرهنگی است که در بسیاری از عرصه‌ها بروز یافته؛ از طراحی داخلی خانه‌ها گرفته تا غذا، سینما، معماری و حتی اپلیکیشن‌هایی که به تقلید از تکنولوژی‌های قدیمی طراحی می‌شوند. امروزه وقتی رستورانی با حال‌وهوای دهه ۵۰ افتتاح می‌شود یا فروشگاهی محصولات با بسته‌بندی‌های نوستالژیک عرضه می‌کند، بیش از هر چیز با نوعی «خاطره‌فروشی» روبه‌رو هستیم. فیلم‌هایی چون «فسیل» و «زودپز» که با استقبال زیاد مواجه شدند نیز، نمونه‌های بارز این موج هستند. در فیلم «فسیل»، گروهی از شخصیت‌ها در فضایی بازسازی‌شده از دهه‌های گذشته، با زبان، لباس و موسیقی آن دوران به تصویر کشیده می‌شوند. مخاطب در عین خنده، دل‌تنگ فضایی می‌شود که شاید هرگز در آن زندگی نکرده، اما از طریق روایت‌ها، عکس‌ها یا داستان‌های خانوادگی در ذهن‌اش حک شده است. «زودپز» نیز با تکیه بر طراحی صحنه و فضاسازی نوستالژیک، تصویری از گذشته‌ای خلق می‌کند که در عین ساده‌بودن، مملو از حسرت‌ها و خاطره‌هایی است که دیگر امکان تجربه ندارند. اینجاست که تحلیل فرهنگی «اسوتلانا بویم»، نظریه‌پرداز برجسته، درخشان می‌شود. او سریع و قاطع هشدار می‌داد که چنین حسرتی، برخلاف ظاهر احساساتی‌اش، برآمده از همان ایده ترقی و پیشرفت است. به تعبیر او، نوستالژی روی دیگر سکه رهایی در دوره بلوغ مدنی ماست؛ شکلی از باور امیدوارانه به نوعی رهایی از قیدوبند لحظه اکنون. آن‌چه در ظاهر بازگشت به گذشته است، درواقع نوعی پافشاری است بر این آرمان که آینده می‌تواند بهتر از اکنون باشد.

این بازگشت به گذشته گاه با مفاهیمی همچون «نوستالژی معمارانه» همراه می‌شود؛ جایی که در طراحی ساختمان‌ها یا بازسازی خانه‌ها، ردپای آجرهای قدیمی، پنجره‌های چوبی و حوض‌های فیروزه‌ای دیده می‌شود. در طراحی رستوران‌ها و کافه‌ها نیز، استفاده از المان‌های دهه‌های گذشته - از رادیوهای قدیمی گرفته تا پوستر فیلم‌های کلاسیک - امری رایج شده است.

حتی در سبک زندگی نیز می‌توان نمودهای این گرایش را یافت؛ رژیم غذایی پارینه‌سنگی (Paleo Diet) که تلاشی است برای بازگشت به الگوهای غذایی انسان‌های اولیه، نشانه‌ای دیگر از همین تب نوستالژیک است: گویی گذشته تنها پناهی است که هنوز اصالت و امنیت دارد. نکته قابل‌تأمل در مد نوستالژیک این است که برخلاف نوستالژی‌های سنتی که عموماً فردی و احساسی بودند، شکل امروزی آن به‌شدت مادی و فرهنگی شده است؛ چیزی که می‌توان آن را نوستالژی مصرفی نامید. حتی اصطلاح «صنایع دستی دیجیتال» که برخی پژوهشگران به کار می‌برند، گویای همین تضاد جالب است؛ ترکیب سنت و تکنولوژی، گذشته و حال، دست‌ساز و دیجیتال. مد نوستالژیک فقط درباره بازسازی گذشته نیست، بلکه تلاشی برای بازآفرینی آینده‌ای است که بتوان آن را تصور و در آن احساس امنیت کرد. شاید به همین دلیل است که نسل‌های جدید - که حتی تجربه مستقیم از آن دوران ندارند - نیز به این موج گرایش پیدا کرده‌اند. آن‌ها نه‌تنها می‌خواهند آینده‌شان را از آشوب‌های امروز پس بگیرند، بلکه می‌خواهند آن را مثل آن قدیم‌ها بسازند؛ آینده‌ای که شبیه تصور گذشتگان از آینده باشد، با ماشین‌های پرنده اما با روابط انسانی‌تر.

درنهایت باید گفت؛ مد نوستالژی بیش از آن که صرفاً یک «مد» باشد، بیانگر نوعی بحران فرهنگی و روانی است؛ پاسخی به سرعت، فراموشی و بی‌هویتی. شاید ما با وسواس به گذشته نگاه می‌کنیم چون حال را تاب نمی‌آوریم و آینده را نمی‌شناسیم. و چه پناهی امن‌تر از خاطرات، حتی اگر ساختگی باشند.

کوتاه، اشارات گذرایی وجود دارد؛ آوردن درخت سیب و شروع داستان «اتاق عقبی» با آن، اشاره به این موضوع دارد که با نابودی درخت سیب، همه‌چیز در آن خانه رو به زوال می‌رود: «تا آنجا که خانم ثقفی به یاد داشت درخت سیب تنها یادگاری بود که در خانه آن‌ها از میان نرفته بود و جایش را به کس یا چیز دیگری نداده بود»؛ گویی مانند داستان آدم و حوا که اگر حوا از آن میوه ممنوعه نمی‌خورد، آن بهشت برای آدمی ادامه می‌یافت. اشارات به احادیثی دینی چون «بمیرید، قبل از آنکه بمیرید.» یا «حق را بگو هر چند علیه تو باشد.» و آوردن کلماتی مانند چینوناد که نگاه زرتشتی‌ها به پل صراط است، نمونه‌های دیگری از این نگاه اسطوره‌ای و دینی است.

دغدغه‌های ایرانی

زبان داستان‌های مدرسی، ساده و روان است و این باعث می‌شود خواننده به‌خوبی با روایت و شخصیت‌های داستان‌ها ارتباط برقرار کند. او گاه توصیفات دقیق و عمیقی از وضعیت و احساسات شخصیت‌ها دارد که از ویژگی‌های آثار اوست. با این همه گاه داستان‌ها از کشش باز می‌مانند و در چنین مواقعی مدرسی موضوع جدیدی را به موضوع قبل از آن پیوند می‌دهد تا بتواند به هر شیوه‌ای داستان‌ها را ادامه دهد. هر داستان این مجموعه دارای ویژگی‌ها و مضامین خاص خود است، اما همه آن‌ها به بررسی ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها می‌پردازند و به نوعی بازتاب‌دهنده دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی نیز هستند؛ دغدغه‌هایی چون فقر و نابرابری‌های اقتصادی، مسائل مربوط به حقوق زنان، نابرابری‌های اجتماعی و...